

# ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی جوانان

## ۳. مفهوم «جوانی»

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۵	پیچیدگی‌های نظری و عملی مطالعه جوانی
۶	روند پیدایش و پیامدهای مفهوم جوانی
۱۱	اهمیت جوانی
۱۲	مسائل جوانی
۱۴	چه باید کرد؟
۲۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۵	منابع و مآخذ



## ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی جوانان

### ۳. مفهوم «جوانی»

#### چکیده

«جوانی» مفهومی است که برای اشاره به دوره خاصی از زندگی به کار می‌رود. اهمیت بحث جوانان در جامعه معاصر، سبب تشکیل حوزه‌های جدید نظری از جمله جامعه‌شناسی جوانان، مطالعات جوانان و... شده است. اهمیت مضاعف این مطالعات در جامعه ما به دلیل این است که بخش اعظم جامعه در دوره سنی خاصی که به آن جوانی اطلاق می‌شود، قرار دارند. سیاستگذاری جوانان، مستلزم داشتن آگاهی‌های پایه‌ای درباره جوانی است و هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بدون وجود دیدگاهی صحیح و مورد وفاق در این باره تنها به پیچیده‌تر شدن مسئله منجر خواهد شد. در این گزارش، پس از طرح «پیچیدگی‌های نظری و عملی مطالعه جوانی» به بیان «چیستی جوانی» و «کیستی جوان» پرداخته شده است. سپس «علل پیدایش و گسترش جوانی» بررسی و به «چیستی مسائل جوانی» و «ارائه راه‌حل‌های عملیاتی» برای آنها اتمام شده است.

ایده اصلی گزارش این است که جوانی به دو شیوه زیستی و فرهنگی تعریف شود. بنابراین، دوره سنی جوانی که با طراوت و شادابی جسم و روح همراه است، امری طبیعی، زیستی و تغییرناپذیر است. این جوانی، همزاد تاریخ بشر است و در کلمات انبیا (ص) و اولیای الهی مورد اشاره قرار گرفته است. عمده توصیه‌ها و سفارشات به جوانان و توصیفات جوان و جوانی در کلام امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز، ناظر بر این معنا و ادراک از جوانی است. اما آنچه امروزه و تحت تأثیر مدرنیته، جوانی به‌عنوان نوعی فرهنگ و زیست‌جهان - مشتمل بر ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری - ارتباطی و چالش‌های جوانان در جامعه معاصر - نامیده می‌شود و بدیهی، اجتناب‌ناپذیر و گاهی مطلوب تلقی می‌شود، امری ساختگی، خدشه‌پذیر، قابل تغییر و نیازمند بازاندیشی است که تمرکز اصلی ما بر مفهوم «جوانی» در معنای دوم است.

بی‌توجهی به مفهوم «جوانی» در معنای دوم و در نتیجه اجتناب‌ناپذیر دانستن آن، پیامدهای

بسیاری در پی خواهد داشت که برخی از آنها عبارتند از:

۱. تطبیق سفارشات و توصیفات درباره جوان و جوانی در معنای زیستی به مفهوم جدید جوان و جوانی.

۲. گسترش بی‌مورد نظام آموزشی و توجیه تبعات آن.

۳. تبدیل کردن «فراغت جوانان» به‌عنوان مسئله‌ای درجه چندم به معضل اصلی و فوری جوانان.

۴. متهم کردن جوانان به فساد و انحراف (با مطلوب دانستن جوانی سنتی).

۵. متهم کردن نظام به ناکارآمدی در حوزه مدیریت جوانان (با مطلوب دانستن جوانی جدید).

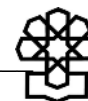
### مقدمه

«جوانی» مفهومی است که عموماً برای اشاره به دوره زیستی خاصی که با شیوه زندگی ویژه‌ای همراه است، به کار می‌رود. اهمیت بحث جوانان در جامعه ما به دلیل جوانی جامعه (فراوانی نسبی جوانان) دوچندان است. همچنین، کاهش سهم جوانان از کل جمعیت جامعه (کاهش فراوانی نسبی جوانان) در سال‌های پیش رو نمی‌تواند از اهمیت بحث بکاهد؛ زیرا حداقل تا دو دهه آینده، جمعیت جوانان جامعه ما (فراوانی مطلق جوانان) رقم قابل توجهی خواهد بود.

علاوه بر این، امروزه بیش از آنکه جنبه زیستی دوره جوانی مسئله‌آفرین باشد، سبک زندگی و الگوهای رفتاری ملازم با آن، اهمیت یافته است. بحث جوانان، از یکسو با عنایت به مؤلفه‌های عصر جدید (جهانی‌سازی، رسانه‌ای شدن، مصرف‌گرایی و...) و از سوی دیگر، با گسترش ویژگی‌هایی نظیر طولانی شدن وابستگی اقتصادی به خانواده، تأخیر در ازدواج و بروز انحرافات جنسی، رفتارهای پرخطر، توجه افراطی به زیبایی ظاهری و مدگرایی، هنجارشکنی و قانون‌گریزی، خوش‌گذرانی و لذت‌طلبی، سرکشی و عصیانگری و... موضوع جدی و قابل تأملی است. با این وضعیت، مقبولیت، همه‌گیری و بسط الگوهای ارزشی و رفتاری دوره جوانی به دوره‌های مجاور (نوجوانی و بزرگسالی) می‌تواند «جوانی کردن» را به چارچوب معنابخش سه دهه از زندگی فرد (مثلاً از ۱۳ سالگی تا ۴۳ سالگی) گسترش دهد. در این صورت، نوجوانی به‌عنوان مرحله‌ای در خدمت انتقال ارزش‌های جامعه به نسل جدید (جامعه‌پذیری) و بزرگسالی به منزله دوره‌ای در راستای حفظ و ثبات ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه، مورد هجوم واقع شده و در جوانی مستحیل خواهند شد. هضم و جذب دوره نوجوانی و بزرگسالی در جوانی نیز چیزی جز فراموشی و نسیان ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و ایجاد نوعی بی‌هویتی و بی‌هنجاری نخواهد بود.

منظور از گسترش جوانی در این فضا، در واقع گسترش رفتارهای متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای این دوره سنی به دوره‌های سنی مجاور (نوجوانی و بزرگسالی) است. همچنین، الگوهای رفتاری ملازم با جوانی به مثابه فرصتی برای بی‌مسئولیتی ساختاریافته میان کودکی و بزرگسالی نیز هست. بنابراین، عمده‌ترین مؤلفه‌های گسترش جوانی را می‌توان در افزایش بی‌مسئولیتی، خوشگذرانی، رفتارهای خشن و هیجانی، بروز احساسات غیرمعمول و نابهنجار، سیاست‌زدگی، رفتارهای پرخطر و... در میان اقشار گوناگون جامعه دانست.

گسترش «جوانی کردن» نه تنها ارزش‌های جامعه را با خطر مواجه می‌سازد، بلکه جوانی را از



موقعیتی انتقالی و گذرا به نوعی هدف و موقعیت ارزشمند تبدیل می‌سازد. به عبارت دیگر، تا پیش از این، دوره جوانی به عنوان دوره آمادگی برای تکامل شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می‌رفت. در نتیجه، فرد باید هر چه زودتر دوران بلوغ را سپری می‌کرد و به دوره «کمال» به ویژه کمال اجتماعی می‌رسید. درحالی که اندیشه جدید در خصوص جوانی این سؤال را مطرح می‌کند که این فرض مسلم از کجا حاصل شده است که انسان با پشت سر گذاشتن دوره جوانی به نعمتی دست یافته که برای تمام عمر ثابت است؟ (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷).

به نظر می‌رسد موقعیت دوره‌های زندگی در تفکر اجتماعی اصیل ایران که در ادبیات سنتی و کلاسیک ما متجلی است، دگرگون شده است. برای مثال، سعدی در گلستان در باب آداب جوانی، از جوانانی که مظهر جاهلیت و پیرانی که مظهر خردمندی‌اند، حکایت می‌کند. در گذشته همواره جوانان مظهر خامی و پیران مظهر خردمندی و فضیلت بودند. هیچ فعل و انفعال نابخردانه‌ای از پیران انتظار نمی‌رفت و مرادها و بزرگان معنوی همه پیر بودند. جوانی موقعیت فرودستی نسبت به پیری داشت و جامعه بر رفتارهای پخته و جاافتاده صحنه می‌گذاشت. اما مسئله زمانی بروز می‌کند که فاصله‌های سن و سالی از بین می‌رود، یعنی در افراد میانسال و پا به سن گذاشته کنش‌های جوانانه به چشم می‌خورد. در این حال، اقتضائات سنی نیز به‌رغم وضع جسمانی و انرژی جوانی و روحیه پیری پوشیده می‌شود و گرایش‌های فرهنگی موجب دگرگونی گرایش‌های طبیعی انسان می‌شود (مددپور، ۱۳۸۲: ۵).

یکی از علل گسترش الگوهای رفتاری و ارزشی جوانان و تسری آن به سایر گروه‌های سنی، تغییر فرهنگ مصرفی در جامعه است. در سال‌های اخیر گسترش واردات کالاهای فرهنگی و لوکس غربی به جامعه ایران، به تدریج ذائقه مصرف‌کنندگان را تغییر داده است.<sup>۱</sup> علت این امر را می‌توان

---

۱. اگرچه در سال‌های اول انقلاب، نمایش ثروت ارزش نبود، اما از سال ۱۳۶۸ به تدریج ثروت به ارزش تبدیل شد و این امر روی ارزش‌های دیگر از جمله زیبایی و ظاهرآرایی تأثیر گذاشت (شهابی، ۱۳۸۹: ۶۷). با اتخاذ سیاست‌های جدید از جمله حذف موانع و کنترل‌های نمایش ظاهرآرایی و تجملات، یعنی ادغام کمیته انقلاب اسلامی و شهرداری در نیروی انتظامی و آزاد شدن واردات انواع اتومبیل‌های جدید و کالاهای تجملی، ارزش‌های اجتماعی دستخوش دگرگونی شدند. به طوری که ثروتمندان این امکان را پیدا کردند که ثروت خود را (مانند خودرو، وسائل منزل، لباس و زینت‌آلات) به نمایش بگذارند و در واقع فخرفروشی و خودنمایی کنند. جوانان ثروتمند دوباره با خودروهای خود یا پدرشان، ظهر یا عصر هنگام تعطیل شدن مدارس دختران، با هم مسابقه می‌دهند تا صدای لاستیک همراه با صدای بلند موزیک جلب نظر کند. آقایان انگشترهای طلا به دست کرده و یا فراتر از آن زنجیر طلا به گردن آویزان می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۹۹-۲۰۰). برخی سیاست‌های دولت سازندگی که موجب گسترش تجمل‌گرایی، تغییر ارزش‌ها و دامن زدن به نیازهای مردم (نیازآفرینی) شده است، عبارتند از: واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی، به‌ویژه از سال ۱۳۷۰ و از طریق مناطق و مراکز آزاد تجاری (مانند کیش و قشم)، تبلیغات بازرگانی برای کالاهای داخلی و خارجی (از سوی رسانه‌ها، وسایل حمل‌ونقل عمومی، بیلبوردهای تبلیغاتی)، تأسیس مراکز تجاری مدرن یا اجازه تأسیس چنین مراکز توسط شهرداری و فروش قسطی کالاهای مصرفی به کارمندان و قشر کم‌درآمد (همان: ۲۰۵-۲۰۱). فروش کالاهای قسطی لوکس به کارمندان و قشر کم‌درآمد در آنها نیاز به اجناس مکمل را پدید می‌آورد (همان: ۲۰۵) و از آنجا که توان مالی اقشار فقیر و متوسط محدود است، گاه آنها برای اینکه نشان دهند از سایرین عقب نیستند، مقیاس‌های ارزشی هنجارشده را حتی به صورت اجناس بدلی (چرم مصنوعی، جواهرات مصنوعی و...) و یا قرض کردن (مانند قرض لباس و زینت‌آلات برای رفتن به مجالس عروسی و...) به نمایش می‌گذارند (همان: ۲۱۳).

در ارزش‌های مستتر در کالاهای غربی به‌ویژه آنچه «صنعت فرهنگ» نامیده می‌شود، جستجو کرد. مهمترین ارزش‌های مستتر در کالاهای غربی را نگاه مادی‌گرایانه و نفی معاد که انسان غربی را به تلاش برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از امکانات بدن به مثابه یک سایت دعوت می‌کند. به‌علاوه ویژگی‌هایی نظیر اروتیزه (شهوایی) شدن زیبایی<sup>۱</sup> و زن‌صفت شدن (زنانه شدن) زیبایی مردان<sup>۲</sup> تشکیل می‌دهد. به‌عبارت دیگر، این انگاره مستتر در کالاهای غربی که مبدأ و معادی در کار نیست انسان را به سمت تمتع هرچه بیشتر از لذات مادی تشویق می‌نماید و طبعاً جوانی مهمترین بستر تمتع و برخورداری از لذات مادی است. بنابراین تلاش برای حفظ شادابی زیستی جوانی و تعلق خاطر به فرهنگ جوانی از اولویت‌های انسان و کالاهای فرهنگی و تجملی غربی است.<sup>۳</sup>

گسترش تجمل‌گرایی پس از یک دوره ساده‌زیستی و قناعت در سال‌های دفاع مقدس، نوعی افراط و مصرف‌گرایی منحط را به‌دنبال داشته است. درواقع جامعه ما با نوعی بحران مصرف مواجه شده است. نه تنها مصرف کالاهای فرهنگی نظیر فیلم، موسیقی و... تا حدی در جامعه ما درحال سن‌زدایی شدن است، بلکه مصرف کالاهای مصرفی نظیر پوشاک، لوازم آرایشی و... در جامعه ما موقعیت‌زدایی نیز شده است.<sup>۴</sup> به‌عبارت دیگر در جامعه ما، پوشش‌های یکسان، توسط سنین مختلف و در موقعیت اجتماعی متفاوت، مصرف می‌شود. این امر سبب شده است برخی مسافرینی که از سایر کشورها به ایران می‌آیند از زرق و برق و جنبه‌های شهوت‌انگیز پوشش زنان در سطح شهر تعجب کنند. این تعجب، بیش از آنکه ناشی از بد بودن پوشش زنان ایرانی باشد،

### 1. Eroticization of Beauty

### 2. Effeminization of Male Beauty

۲. امروزه یکی از زیرمجموعه‌های مهم «صنایع فرهنگی» در غرب را «صنایع ظاهرآرایی» تشکیل می‌دهد که خود به چهار صنعت مرتبط به هم قابل تقسیم است:

- صنعت بدن‌سازی و زیبایی‌درمانی: شامل: لوازم خالکوبی، سوراخ کردن اعضای بدن، دستگاه‌ها و قرص‌های لاغری و صنعت رژیم، ماساژ بدن، حمام آفتاب، جراحی‌های لیزری برای قطع موهای زائد، چین و چروک صورت و زائده‌های پوستی، افزایش قد، کاشت مو، جراحی پلاستیک، پروتزگذاری سینه، چانه و گونه، لیپوساکشن یا خارج کردن چربی، لیزیک چشم، لیفتینگ و کشیدن صورت، پیشانی و بازو و...  
- صنعت پوشاک و مد.

- صنعت لوازم آرایش: شامل محصولات مراقبت از پوست و مو (شامل انواع کرم، اسپری، ضد آفتاب، ژل، رنگ مو و مش و...)، خدمات زیبایی و حمام (شامل انواع اسپری بدن، ضد عرق، مواد موبر، صابون، نرم‌کننده، شامپو، خمیر ریش و...)، وسایل آرایش و عطر و ادکلن (لوازم آرایش صورت، ناخن مصنوعی دست و پا، مژه مصنوعی، لنزهای رنگی چشم).

- صنعت لوازم زینتی جانبی (شامل جواهرات از جمله انگشتر، حلقه، گوشواره، مچ‌بند، زیورهای اصلی و بدلی، انواع کیف دستی، عینک آفتابی، کمربند و...) (شهابی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱).

۴. در جوامع غربی و در دهه‌های اخیر نوعی «همه‌چیزخواری فرهنگی» - به این معنا که افراد با تحصیلات و مشاغل متفاوت و طبقه اقتصادی - اجتماعی مختلف، طیف وسیعی از کالاها را مصرف می‌کنند - پدید آمده است. برای مثال، همان کسانی که غالباً به موسیقی کلاسیک گوش می‌کنند موسیقی‌های به لحاظ هنری کم‌ارزش‌تر را نیز گوش می‌دهند و هیچ‌گونه احساس تضاد و تناقضی هم نمی‌کنند. این مسئله در جامعه ما نیز به وقوع پیوسته است. با این تفاوت که افراد به مقدرات همین «همه‌چیزخواری» از جمله موقعیت مصرف و سن آن نیز توجه لازم را ندارند که این مسئله، به تشدید ناهنجاری‌ها منجر شده است.



ناشی از عدم تناسب موقعیت اجتماعی و پوشش ایشان است.

جالب آنکه رسانه‌های همگانی - به‌ویژه در سینما و صدا و سیما - دائماً مفهوم «جوان بودن دل» را که در ادبیات کلاسیک ایران، نشانه رقت قلب، آرمانخواهی و حقیقت‌طلبی و رهایی از تعلقات دنیایی است به سرخوشی و سرمستی تعبیر می‌کنند و اصرار دارند جامعه را با رفتارهای زنده و حماقت‌آمیز مردان و زنان سالخورده بخندانند.<sup>۱</sup> در واقع پروژه‌های خندیدن به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و تمسخر افکار، گفتار و رفتار سالخوردگان روی دیگر، گسترش فرهنگ جوانی است.

### پיچیدگی‌های نظری و عملی مطالعه جوانی

تفکیک میان جوانی به مفهوم یک دوره زیستی (ظرفی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر) با جوانی به مثابه یک فرهنگ (مظروفی اقتضایی و ساختگی) با پیچیدگی‌هایی همراه است. همچنین، مطالعه جوانی دشواری‌های نظری و عملی دیگری نیز به دنبال دارد، زیرا از یک‌سو، مطالعه مجزای جوانان، نوعی جزءنگری را در پی خواهد داشت و از سوی دیگر، مطالعه جوانان در متن جامعه، دائماً با مطالعه جامعه به مثابه یک کل آمیخته خواهد شد. برخی نظریات معتقدند دوره جوانی را نمی‌توان به‌عنوان دوره‌ای مستقل در حیات انسانی موضوع پژوهش قرار داد، زیرا ساختار اجتماعی جوانان، ساختاری مشابه ساختار کل جامعه است، بنابراین مطالعه جوانان باید در چارچوب پژوهش کلی جامعه انجام گیرد (شفرز، ۱۳۸۶: ۱۳). با عنایت به رویکردهای موجود، هدف این گزارش، مطالعه جوانی به‌عنوان دوره‌ای مجزا و در عین حال به‌شدت در ارتباط و در هم‌تنیده با ساختار کلی جامعه و سایر دوره‌های زندگی فرد است. این رویکرد، به‌ویژه در جامعه جوان و دارای پیوندهای خانوادگی مستحکم ایرانی، از اعتبار بیشتری برخوردار است. در واقع، مسائل جوانان در جامعه ما، به هیچ وجه قابل تفکیک از کلیت جامعه نیست. برای مثال، در جامعه ما آزمون ورودی دانشگاه‌ها (کنکور) که تنها به بخش محدودی از جوانان مربوط می‌شود، در عمل، هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را به بخش گسترده‌ای از جامعه تحمیل می‌کند. فهرست کوتاهی از این آثار عبارتند از: آمادگی‌های سال‌های پیش از کنکور، تبلیغات مؤسسات آموزشی در رسانه‌های جمعی و در سطح شهر، اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ها و جراید و نشریات درباره کنکور، هزینه‌های کلاس‌های کنکور، رقابت‌های خانوادگی و فامیلی، موفقیت و شادی و اعتماد به نفس یا ناکامی و سرشکستگی فرد و خانواده‌اش که گاهی تا مدت‌ها ادامه دارد، هزینه‌های ادامه تحصیل و حتی اعزام به سایر کشورها و آثار فرهنگی - اجتماعی مهاجرت و ...

۱. بازیگرانی نظیر احمد پورمخبر، یوسف یوسف‌پشندی و حلیمه سعیدی نمونه‌های مشهور چنین نقشی هستند.

## روند پیدایش و پیامدهای مفهوم جوانی

تصور رایج میان مردم این است که جوانی امری طبیعی، غیرقابل اجتناب و ناشی از رسیدن به محدوده سنی خاص است. براساس این باور، افراد تنها با رسیدن به محدوده سنی خاص، موقعیت ویژه رفتاری و ارزشی را اشغال می‌نمایند که جوانی نامیده می‌شود. اما این نظر به چالش کشیده شده است (بارکر، ۱۳۸۷: ۶۷۷). به عبارت دیگر، جوانی مقوله‌ای جهانی و زیستی نیست، بلکه امری اجتماعی و فرهنگی است که در دوره‌های مختلف صورت‌ها و معانی متفاوتی داشته و معنای امروزی آن، در برهه‌ای خاص از زمان و تحت شرایطی جدیدی ایجاد شده است (بارکر به نقل از: تالکوت پارسونز، ۱۹۴۲).

درواقع، همان‌طور که گاهی در سخنان عامه مردم شنیده می‌شود، نسل‌های پیشین در سنینی که امروزه به‌عنوان جوانی شناخته می‌شود، رفتارهایی متفاوت از رفتارهای فعلی جوانان داشته‌اند. به عبارت دیگر، رفتارهای جوانان در تمام طول تاریخ و در همه جوامع یکسان نبوده است. افراد در سنین خاصی، جوانی را به معنای شادابی جسم و روح پشت سر می‌گذاشته‌اند، ولی رفتارشان تمایز جدی با بزرگسالان به‌ویژه از جهت کار، ازدواج، ادب و... نداشته است. به عبارت آکادمیک، مفهومی که امروزه از جوانی به ذهن ما متبادر می‌شود امری «برساخته» است.

برای روشن‌تر شدن معنای «برساختگی بودن جوانی»<sup>۱</sup> بررسی دوره‌های زندگی، ضرورت دارد. برای مثال، مفهوم کودکی، مانند بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی امروز، تنها در طول دو سه قرن گذشته به وجود آمده است و در جوامع سنتی، خردسالان پس از یک دوره طفولیت طولانی مستقیماً وارد نقش‌های کاری در اجتماع می‌شدند. به عبارت دیگر، در سده‌های میانه، کودکی به‌عنوان یک مرحله رشد و تکامل جداگانه وجود نداشته است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۱۰). نوجوان نیز، مفهومی خاص جوامع امروزی است. تغییرات زیست‌شناختی که با بلوغ همراه است، عمومیت دارند، ولی این تغییرات، آن اندازه اضطراب و بلا تکلیفی تولید نمی‌کند که غالباً در میان نسل امروزی دیده می‌شود. نوجوانان در جوامع سنتی نسبت به همتایانشان در جوامع امروزی به دلیل کند بودن تغییرات و کار کردن کنار بزرگسالان، به راحتی رفتارهای کودکانه و بازیچه‌های خود را کنار گذاشته و وارد بزرگسالی می‌شوند (همان).

در غرب مدرن، جوانی و نوجوانی، مقولاتی اجتماعی هستند که مقارن با تغییر نقش‌های خانوادگی در اثر توسعه سرمایه‌داری، ظهور کرده‌اند. در جوامع پیشا سرمایه‌داری، خانواده همه

۱. مفاهیم برساخته اجتماعی را بر خلاف مفاهیمی طبیعی چون آب، درخت، کوه و... نمی‌توان به طور کامل احصا کرد. قوام چنین مفاهیمی که برآمده و سر برآورده از جامعه انسانی و تعامل انسان‌ها با یکدیگر هستند به نحوه فعالیت کنشگران انسانی بستگی دارد و از این رو بر اساس شرایط مختلف زمانی و مکانی و... مؤلفه‌ها و مقومات آنها مشمول زیادت و نقصان می‌شوند.





کارکردهای اصلی بیولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی بازتولید اجتماعی را ایفا می‌کند. تغییر از کودکی به بزرگسالی را مناسب‌گذار<sup>۱</sup> مشخص می‌کند و دوره‌های طولانی جوانی و نوجوانی وجود نداشتند. همزمان با پیدایش نقش‌های تخصصی عمومیت‌یافته و عقلانی‌شده و نقش‌های بزرگسالان در جوامع سرمایه‌داری، فاصله‌ای میان خانواده و جامعه بزرگتر به وجود آمد. چنین فاصله‌ای نیازمند فضای فرهنگی تغییر، آموزش و جامعه‌پذیری برای جوانان بود. این تغییر فقط با مقوله جوانی مشخص نمی‌شود، بلکه به مثابه فرصتی برای بی‌مسئولیتی ساختاریافته میان کودکی و بزرگسالی نیز هست. در چنین جایی بود که فرهنگ جوانان توانست ظهور کند (بارکر، ۱۳۸۷: ۶۷۷).

به عبارت دیگر، در گذشته، افراد پس از دوره طفولیت، تدریجاً و متناسب با توانایی‌های جسمی و ذهنی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده مشارکت نموده و آموزش‌هایی کوتاه‌مدت و ضروری برای ورود به بزرگسالی را طی می‌کردند. اما پس از پدیدار شدن جامعه سرمایه‌داری، فرآیند تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیت‌ها، نیاز به آموزش‌های طولانی بیرون از خانواده ضرورت یافت. افراد باید مدت‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش‌هایی می‌دیدند و در این دوره کمتر به فعالیت‌های اقتصادی و ندرتاً ازدواج و تشکیل خانواده می‌پرداختند. نتیجه چنین تغییری افزایش آموزش‌های تخصصی، کاهش مشارکت عملی در فعالیت‌های خانواده و کاهش توانایی‌های لازم برای زندگی روزمره بود. از عواقب این مسئله (تعدیل همه فعالیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی به نفع تحصیل) می‌توان به ناتوانی جوانان با تحصیلات بالا در انجام فعالیت‌های روزمره، ارتباطات اجتماعی، اداره خانواده و تنظیم روابط با همسر و فرزندان و آداب‌دانی و بعدها بی‌توجهی به آداب اجتماعی و تمایل برای زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهایی که ناتوانی از انجام آنها موجب تحقیر یا تمسخر جوان می‌شد، گردید. در جامعه ما نیز اگر چه سازوکارهای سرمایه‌داری به طور کامل استقرار نیافته است، اما اخذ ساختارهای برآمده از آن تا حد زیادی تأثیرگذار بوده است. مثلاً در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با گسترش نظام آموزشی، فرزندان به بهانه تحصیل از همراهی والدین در مراسمات شادی و عزاء، عروسی و ختم، صله رحم، مسافرت، دید و بازدید نوروز، خرید و... باز می‌مانند. فرآیند تخصصی شدن فعالیت‌ها به نحو ذیل است:

تخصصی شدن فعالیت‌ها در جامعه جدید ← نیاز به افزایش آموزش‌های تخصصی بیرون از خانواده ← صرف زمان طولانی برای آموزش‌های تخصصی ← کاهش توانایی‌های لازم برای زندگی روزمره به دلیل عدم مشارکت عملی ← ناتوانی جوانان با تحصیلات بالا در انجام فعالیت‌های روزمره، ارتباطات اجتماعی، اداره خانواده، هنجارهای اجتماعی ← مقابله با ارزش‌های

۱. نوعی از آیین‌های عبادی متعلق به هر یک از ادوار زندگی فرد می‌باشند؛ به این نحو که در هر مرحله از مراحل حیات فرد، از تولد تا مرگ، مناسکی ویژه آن مرحله وجود دارد که همچون قوانین و احکام، بر روند زندگی فرد تأثیری عمیق می‌گذارند.

رایج از طریق تمسخر و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهایی که ناتوانی از انجام آنها موجب تحقیر یا تمسخر ایشان می‌شود.<sup>۱</sup>

جدول ۱. پیامدهای تخصصی شدن فعالیت‌ها

پیامد سطح ۳	پیامد سطح ۲	پیامد سطح ۱	روند اجتماعی
مقابله با ارزش‌های رایج از طریق تمسخر و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهایی که ناتوانی از انجام آنها موجب تحقیر یا تمسخر ایشان می‌شود	کاهش توانایی‌های لازم برای زندگی روزمره به دلیل عدم مشارکت عملی ناتوانی جوانان با تحصیلات بالا در انجام فعالیت‌های روزمره، ارتباطات اجتماعی، اداره خانواده، هنجارهای اجتماعی	نیاز به افزایش آموزش‌های تخصصی بیرون از خانواده صرف زمان طولانی برای آموزش‌های تخصصی	تخصصی شدن فعالیت‌ها در جامعه جدید

آنچه در قالب «پیامدهای تخصصی شدن فعالیت‌ها» ذکر شد یک صورت ذهنی، کلی و تقلیل‌گرایانه است. در عمل، تنها یک گروه از افراد در مسیر «موفقیت در آموزش‌های تخصصی، کسب مهارت و به دست آوردن مشاغل مرتبط» حرکت خواهند کرد و دو گروه باقیمانده، مسیرهای دیگری را پشت سر خواهند گذاشت. گو اینکه اعتماد به نفس ناشی از این موفقیت نیز ضرورتاً به خیر و صلاح دانش‌آموخته ختم نمی‌گردد.

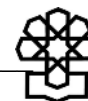
مسیر دوم «پیامدهای تخصصی شدن فعالیت‌ها» و به تبع آن تبدیل تحصیلات به ارزش<sup>۲</sup> در جامعه عبارت است از: تلاش چندین ساله برای پذیرفته شدن در کنکور<sup>۳</sup> و ادامه تحصیل در دانشگاه‌های نامعتبر و رشته‌های دارای زمینه شغلی محدود که احتمالاً صرف هزینه بالا، سکونت در شهرهای دیگر و دور شدن از فضای حمایتی - کنترلی خانواده و دشواری در یافتن شغل مناسب پس از پایان تحصیل را در پی خواهد داشت.

مسیر سوم «پیامدهای تخصصی شدن فعالیت‌ها» عبارت است از: تحقیر و سرزنش کسانی که به هر دلیل از پذیرش در دانشگاه محروم شده‌اند که این امر، نوعی ناکامی و پذیرش این تحقیر از سوی ایشان را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، جوانان سرخورده نیز به نوعی دیگر، با مقاومت در برابر ارزش‌های مورد نظر جامعه که تحصیلات عالی را از اوجب واجبات می‌داند، به تمسخر و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهایی که ناتوانی از انجام آنها موجب تحقیر یا تمسخر ایشان می‌شود، می‌پردازند. کاربرد عبارت «خرخوان» یا «بچه مثبت» برای افراد درس‌خوان و تحقیر مشاغل دولتی و کارمندی به «مفت‌خوری» از رایج‌ترین نشانه‌های این مقاومت است.

۱. مباحث مرتبط با تحصیل در رشته‌های «علوم انسانی غربی» و آثار و تبعات آن، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.

۲. مباحث مرتبط با «مدرک‌گرایی»، کاهش کیفیت آموزش و آثار و تبعات آن، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.

۳. مباحث مرتبط با پیدایش وضعیت «پشت‌کنکوری» و آثار و تبعات آن، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.



## جدول ۲. پیامدهای تبدیل تحصیلات به ارزش

پیامد سطح ۵	پیامد سطح ۴	پیامد سطح ۳	پیامد سطح ۲	پیامد سطح ۱	رشد اجتماعی
تمسخر و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر جامعه که فرد را به سمت تحصیل بدون وجود زمینه شغلی هدایت کرده است	نارضایتی از صرف هزینه و زمان و نیافتن فرصت اجتماعی و شغل مناسب	صرف هزینه بالا، سکونت در شهرهای دیگر و دور شدن از فضای حمایتی - کنترلی خانواده و دشواری در یافتن شغل مناسب پس از پایان تحصیل	ادامه تحصیل در دانشگاه‌های نامعتبر و رشته‌های دارای زمینه شغلی محدود	تلاش چندین ساله برای پذیرفته شدن در کنکور	تبدیل تحصیلات به ارزش در جامعه
مقاومت در برابر ارزش‌های مورد نظر جامعه که فرد از دستیابی به آن بازمانده است، تمسخر و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر آن	تحقیر و سرزنش پذیرفته‌نشده‌گان در دانشگاه	نارضایتی از صرف هزینه و زمان و نیافتن امکان ادامه تحصیل	عدم پذیرش در کنکور	تلاش چندین ساله برای پذیرفته شدن در کنکور	

همچنین تبدیل تحصیلات به ارزش در جامعه به‌نحوی است که تشکیل خانواده در میان جوانان حتی جوانان بدون تحصیلات عالی را نیز به‌دلیل بالا بردن میانگین سن ازدواج در جامعه (ایجاد هنجار اجتماعی جدید) و همچنین مقایسه خود با هم‌سن و سالان ازدواج نکرده به‌دلیل ادامه تحصیل (ایجاد توجیه رفتاری) به تعویق می‌اندازد.

در دوره جوانی طولانی‌شده، در کنار تحصیل، بیشتر به فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی - فراغتی پرداخته می‌شود که احتمالاً تنها در دوره جوانی از طرف جامعه پذیرفته می‌شود. افراد دینفروز مذهبی به‌ویژه رهبر انقلاب اسلامی برای برکنار داشتن جوانان از فعالیت‌ها و رفتارهای مخرب و تبدیل این پتانسیل به فعالیت‌ها و رفتارهای مفید و سازنده، سه‌گانه تحصیل، تهذیب و ورزش را توصیه فرموده‌اند. همچنین ایشان به دانشجویان به‌عنوان جریان نوپای حوزه اندیشه، مطالباتی نظیر عدالت را توصیه فرموده‌اند که این توصیه‌ها گامی در راستای تخفیف پیامدهای جوانی در معنای معاصر آن است.

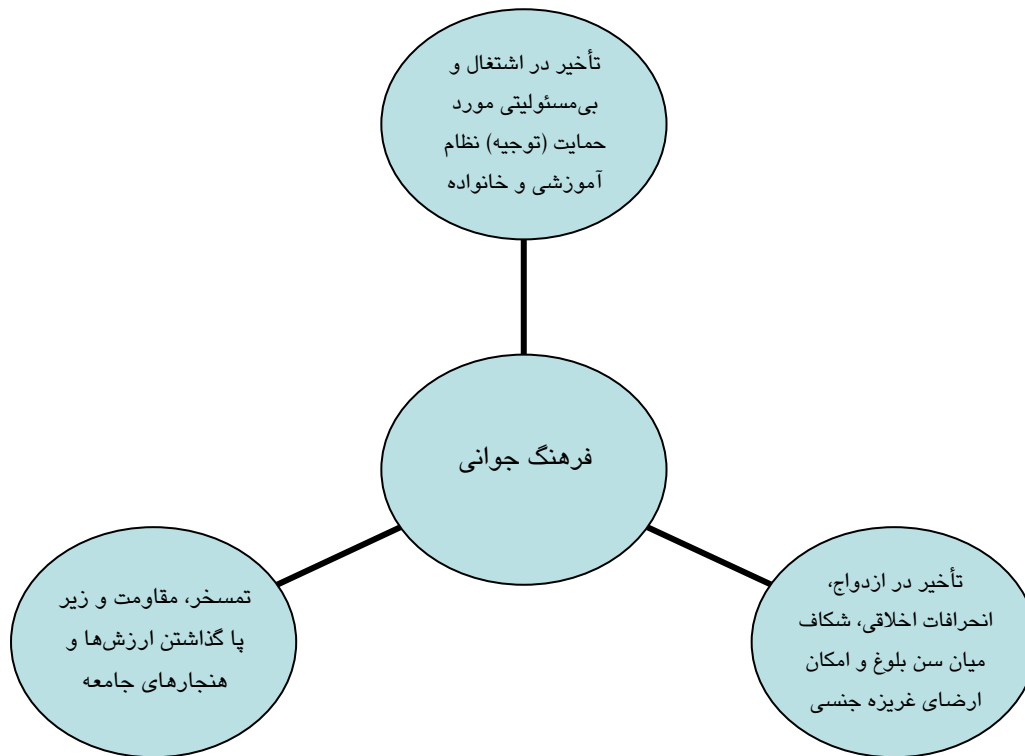
با توجه به تعریف معاصر از جوانی، جوان کسی است که برای کسب تحصیل و مهارت‌های لازم برای به‌دست آوردن موفقیت در جامعه، تا مدت‌ها از اشتغال، ازدواج و استقلال از والدین محروم می‌شود. ازسوی دیگر، دوره جوانی را می‌توان دوره «اگر-آیا» تعریف کرد، دوره‌ای که با دو ویژگی خاص مشخص می‌شود؛ انتظارات گسترده از یکسو و ناکامی‌های عمیق ازسوی دیگر. دوره‌ای که هنوز دستیابی‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی کامل نشده‌اند (شفرز به نقل از: مارگارت مید، ۱۹۷۶). این محرومیت، پیامدهایی چون تأخیر در اشتغال و بی‌مسئولیتی مورد حمایت (توجیه) نظام آموزشی و خانواده از یکسو و تأخیر در ازدواج، انحرافات اخلاقی ناشی از آن و فاصله گسترده میان سن بلوغ و امکان ارضای غریزه جنسی را ازسوی دیگر به‌دنبال دارد که این

امر به شکل‌گیری فرهنگ جوانی<sup>۱</sup> منجر شده است.

جدول ۳. فرآیند شکل‌گیری فرهنگ جوانی

برآیند	آثار شکل‌گیری جوانی	عامل ساختاری شکل‌گیری جوانی	محمل شکل‌گیری جوانی	چیستی جوانی
شکل‌گیری فرهنگ جوانی	تأخیر در اشتغال و بی‌مسئولیتی مورد حمایت (توجیه) نظام آموزشی و خانواده	نظام آموزشی (و در نتیجه تبدیل تحصیلات به ارزش در جامعه)	جامعه سرمایه‌داری (و در نتیجه تخصصی شدن فعالیت‌ها)	مفهومی برساخته
	تأخیر در ازدواج، انحرافات اخلاقی ناشی از آن و فاصله گسترده میان سن بلوغ و امکان ارضای غریزه جنسی			
	تمسخر، مقاومت و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه			

نمودار ۱. عناصر فرهنگ جوانی



۱. عدم استفاده از واژه «خرده‌فرهنگ» به دلیل تفاوت مفهوم خرده‌فرهنگ در کاربرد عامیانه و کاربرد آکادمیک آن است. به عبارت دیگر، شاید بتوان ادعا کرد چیزی نظیر آنچه جوانان طبقه کارگر در انگلستان خلق کردند و خرده‌فرهنگ نامیده شد، هرگز در ایران وجود نداشته باشد یا لاقلاً آنچه در ایران قابلیت خرده‌فرهنگ نامیده شدن را دارد، با مشابه انگلیسی و تصور رایج متفاوت است.



با عنایت به آنچه تاکنون گفته شد و برای ارائه راه‌حلهایی برای مسائل پیش روی جوانان، ضرورت دارد، اهمیت و مسائل دوره جوانی با رویکرد جدید مورد بررسی واقع شود.

### اهمیت جوانی

به‌طور کلی جوانی، هم در دوره‌های گذشته و جوامع سنتی (با غلبه رویکرد زیستی به جوانی) و هم در جوامع مدرن و امروزی (با غلبه رویکرد فرهنگی - زیستی به جوانی) دارای اهمیت بسیاری است. اهمیت جوانی در جوامع سنتی منوط به وجود آمادگی روحی و جسمی برای کسب فضائل و درجات مادی و معنوی بوده است. درحالی که، جوامع جدید با تکیه بر ارزش‌هایی چون منفعت‌طلبی، لذت‌جویی، مصرف‌گرایی و... برای جوانان به‌عنوان گردانندگان چرخ‌های نظام سرمایه‌داری (هم به‌عنوان نیروی کار و هم به‌عنوان مصرف‌کننده) اهمیت بالایی قائل هستند. سرفصل‌های اموری که به نوعی اهمیت جوانی در جامعه امروز ایران را نشان می‌دهند، عبارتند از:

۱. جایگاه جوانی در فرآیند اجتماعی شدن: همان‌طور که جدول ذیل نشان می‌دهد عوامل اجتماعی شدن در دوره‌های کودکی تا جوانی دارای آثار ماندگاری بوده و پس از آن عمدتاً ثابت می‌مانند.

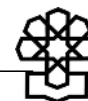
جدول ۴. جوان و جامعه‌پذیری (اجتماعی شدن)

ردیف	دوره‌های زندگی	عوامل اجتماعی شدن
۱	کودکی	خانواده نسبی، اقوام و خویشان، مهد کودک - مدرسه، رسانه (برنامه‌های کودک و نوجوان)
۲	نوجوانی	خانواده نسبی، اقوام و خویشان، مدرسه، رسانه (برنامه‌های کودک و نوجوان)، گروه دوستی، نشریات، پوستره‌های عکس، سینما
۳	جوانی	خانواده نسبی، اقوام و خویشان، دانشگاه، رسانه (برنامه‌های جوانان و بزرگسالان)، گروه دوستی، نشریات، پوستره‌های عکس، سینما، ماهواره، سربازی، روزنامه، مجلات تخصصی، شغل‌یابی، همسریابی، ازدواج، خانواده سببی، خانواده خودساخته
۴	میانسالی	خانواده نسبی، اقوام و خویشان، تحصیلات، رسانه (برنامه‌های بزرگسالان)، گروه دوستان و همکاران، نشریات، پوستره‌های عکس، سینما، ماهواره، خاطرات سربازی، روزنامه، مجلات تخصصی، اشتغال، نگاه به همسریابی و ازدواج، خانواده سببی، خانواده خودساخته، فرزندان
۵	پیری	خانه سالمندان، بیمارستان و پرستار، رسوبات ذهنی و خاطرات، خانواده نسبی، اقوام و خویشان، تحصیلات، رسانه (برنامه‌های بزرگسالان)، گروه دوستان و همسالان، نشریات، پوستره‌های عکس، سینما، ماهواره، خاطرات سربازی، روزنامه، مجلات تخصصی، اشتغال، نگاه به همسریابی و ازدواج، خانواده سببی، خانواده خودساخته، فرزندان

۲. سر برآوردن نیازهای جدید در جوانی: تأمین یا عدم تأمین نیازهای فرد در جوانی که با قدرت و انتخاب او در سازندگی و ویرانگری همراه است، موفقیت و شکست فرد و جامعه را شکل می‌دهد.
۳. انتخاب‌های جوانی: جوانی به واسطه توانایی‌ها، فرصت‌ها و انتخاب‌های فرد که آثار پایدار آنها در سراسر زندگی وی پا بر جا هستند، اهمیتی مضاعف می‌یابد.
۴. ویژگی‌های ذاتی (روحی و جسمی): جوانی به دلیل لایتغیر بودن فطرت الهی انسان و بُعد معنوی جوانی (آرمان‌خواهی، حق‌جویی، نزدیک بودن جوانان به ملکوت و...) که بارها در کلام امام و رهبری منعکس شده است، اهمیت والایی دارد.
۵. برنامه دشمن (تهاجم فرهنگی): نکات فوق زمینه‌ای را فراهم آورده است تا دشمنان برای آسیب رساندن به سایر جوامع از این ناحیه برنامه‌ریزی نمایند.

### مسائل جوانی

یکی از نکات مهم و چالش‌برانگیز، نسبت «مسائل جوانان» و «مسائل جامعه» است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، خانواده‌گرایی و جوانی جمعیت ایران، عملاً مسائل اجتماعی جامعه ایرانی و جوانان ایرانی را تفکیک‌ناپذیر ساخته است. اما به هر حال داشتن مدلی برای نشان دادن مسائل اصلی و ریشه‌های آنها به‌علاوه تفکیک مسئله اجتماعی از مسئله فرهنگی هدفی است که جدول زیر تا حدودی آن را تحقق داده است.



## جدول ۵. نیازهای جوان

عدم تأمین مشروع ↓ تهدیدها و آسیب‌ها		تأمین مشروع ↓ فرصت‌ها و موفقیته‌ها	وضعیت
مسائل فرهنگی	مسائل اجتماعی - اقتصادی	توفیقات فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی	نیازهای جوان
مؤلفه‌های منفی فرهنگ اشتغال	بی‌کاری، تأخیر در ازدواج (غیرمستقیم)	فعال اقتصادی، تشکیل خانواده (غیرمستقیم)	اشتغال
مؤلفه‌های منفی نگرش افراد به ازدواج	دوستی جنس مخالف، فحشا، طلاق	تشکیل و استحکام خانواده، رفع نیازهای عاطفی و جنسی	ازدواج
مؤلفه‌های منفی نگرش افراد به زندگی	مشکلات اقتصادی خانواده، گسترش فقر و نارضایتی، تأخیر در ازدواج؛ دوستی جنس مخالف، فحشا (غیرمستقیم)	گسترش رفاه، کاهش هزینه‌های خانواده و تسریع ازدواج	مسکن
علل ناکامی در انتقال ارزش‌های دینی	اعتیاد (الکل، مخدر) عرفان‌های انحرافی، شکنندگی در مواجهه با مشکلات، لذت‌جویی (الکل، سکس)	آمدگی در مواجهه با مشکلات، سعادت‌جویی، آرمان‌طلبی	معنویت
چالش‌هایی بر سر هویت	بحران در تداوم ارزش‌های خانواده و جامعه	تداوم ارزش‌های خانواده و جامعه	هویت‌یابی
مؤلفه‌های منفی نگرش افراد به علم‌آموزی	آثار اجتماعی - فرهنگی کنکور، مدرک‌گرایی	کسب دانش، منزلت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و فرصت‌های شغلی	تحصیل
مؤلفه‌های منفی نگرش افراد به فراغت	بطالت و انحرافات	تهذیب، ورزش	فراغت

می‌توان به تبع دو گونه تعریف زیستی و فرهنگی از جوانی، نیازهای فهرست شده در بالا را به

دو نوع ذیل تقسیم کرد:

۱. زیستی،

۲. فرهنگی.

در این تقسیم‌بندی تحصیل و فراغت در معنای امروزی‌شان، نیازهای فرهنگی - اجتماعی و سایرین نیازهای زیستی - ذاتی هستند. بنابراین، تأمین نیازهای زیستی، اجتناب‌ناپذیر و نیازهای فرهنگی - اجتماعی برساخته و قابل‌چون و چرا هستند. نکته اساسی‌تر در اینجا تأثیر و حتی غلبه نیازهای برساخته بر نیازهای زیستی است که جامعه ما را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

برای تأمین نیاز به اشتغال و مسکن تاکنون برنامه‌های بسیاری تنظیم شده است که غالباً به نتیجه دلخواه منتهی نشده‌اند. اهمیت و دشواری تأمین نیاز به اشتغال و مسکن آن است که این نیازها باید در داخل کشور محقق شوند و مثلاً با واردات مرتفع نمی‌شوند. مادامی که نیاز به

تحصیل بازنگاری و اصلاح نشود، مسئله تأمین اشتغال و تأخیر ازدواج حل نخواهد شد. مسئله مسکن نیز در ارتباط مستقیم با مهاجرت قرار دارد. همچنین، مسئله معنویت و هویت نیاز به آسیب‌شناسی برنامه‌های دینی دارد. مهمترین مسئله‌ای که سازمان‌های متولی امور جوانان خود را متکفل آن می‌دانند و البته علیرغم برنامه‌های گسترده چندان توفیقی نیز به دست نیاورده‌اند، مسئله فراغت است که این مسئله نیز بدون عنایت به مسئله تحصیل و بی‌مسئولیتی ساختاریافته ناشی از آن، قابل رفع نیست. به عبارت دیگر، در این روش، ابتدا فراغت ناشی از تحصیل مسلم فرض شده و سپس برای رفع این عارضه برنامه‌ریزی شده است.

علاوه بر تهدیدها و آسیب‌های (مسائل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) ناشی از عدم تأمین مشروع نیازهای جوانان، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارند که عمدتاً آثار منفی بر جای نهاده و در زمره مسائل فرهنگی به‌شمار می‌روند. این مسائل فرهنگی که از زمینه‌های بیرونی و برآمده از تمدن غرب هستند خود را در سبک زندگی (مشمتمل بر مصرف کالاهای فرهنگی، موسیقی، فیلم، مد، پوشش و آرایش، فرهنگ روابط جنسی، فرهنگ غذا، فرهنگ بدن و...) متجلی می‌سازند. به عبارت دیگر، چنانچه تمامی نیازهای برشمرده در بالا نیز به صورت مشروع و مطلوب تأمین شوند باز هم مشکلاتی از جانب تمدن غرب تحمیل خواهد شد که البته مهمترین راه برخورد با این گونه مسائل، آگاهی‌بخشی و احیای ارزشی ایرانی - اسلامی است.

### چه باید کرد؟

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، چارچوب‌های ارزشی و رفتاری تحت عنوان «جوانی» در دوران سنت وجود نداشته است. از طرفی، مهمترین عامل ساختاری شکل‌گیری جوانی، نظام آموزشی است. آموزش‌های تخصصی نیز با توجه به تحولات زندگی امروز، ضرورت یافته و حذف یا رفع آنها غیرممکن و غیرمنطقی می‌نماید. پس چه باید کرد؟ راهکارهای نرم‌افزاری و کلان مسائل جوانان عبارت است از:

الف) گرامیداشت پیری و فرزاندگی در برابر فرهنگ جوانی،

ب) گرامیداشت جایگاه خانواده در برابر نظام آموزشی،<sup>۱</sup>

ج) محدودسازی جوانی بر ساخته.

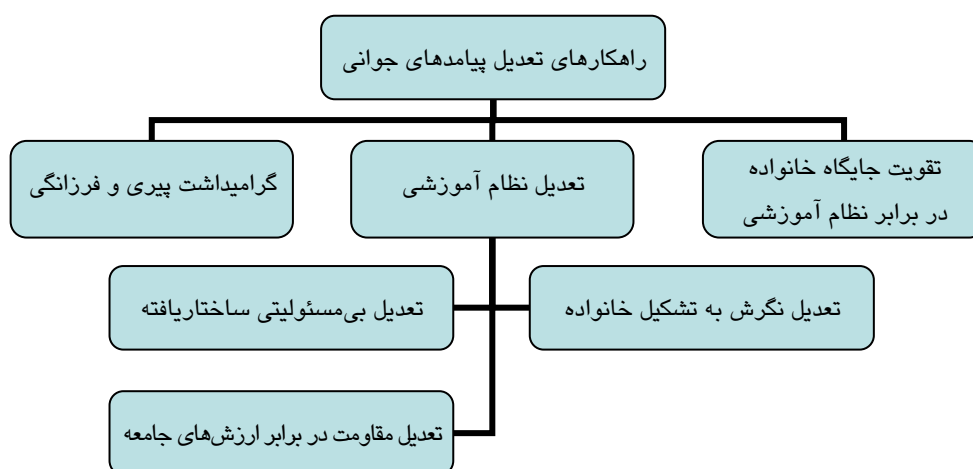
۱. متأسفانه در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از گسترش مدارس غیرانتفاعی به شدت جایگاه خانواده در برابر نظام آموزشی تضعیف شده است. مدارس عموماً از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و مشاوره، والدین را نصیحت و آنها را به ترجیح دادن ارزش‌های نظام آموزشی بر ارزش‌های خانواده و جامعه تشویق می‌کنند. همچنین بسیار دیده می‌شود که والدین کودکان را تهدید می‌کنند که تخلفات و بی‌نظمی یا درس نخواندن او را به مدرسه گزارش می‌کنند و ...





- در این حال، یک بسته راهگشا شامل سه بخش برای محدودسازی جوانی برساخته وجود دارد:
۱. راه حل مربوط به نظام آموزشی (علت سطح ۱) و همچنین تقویت جامعه‌پذیری (تعدیل تمسخر، مقاومت و زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه توسط جوانان) (معلول سطح ۱ و علت سطح ۲)،
  ۲. راه حل مربوط به بی‌مسئولیتی ساختاریافته (معلول سطح ۱ و علت سطح ۲)،
  ۳. راه حل مربوط به نگرش به تشکیل خانواده (معلول سطح ۱ و علت سطح ۲).

### نمودار ۲. راهکارهای تعدیل جوانی و پیامدهای آن



#### ۱. راه حل مربوط به نظام آموزشی

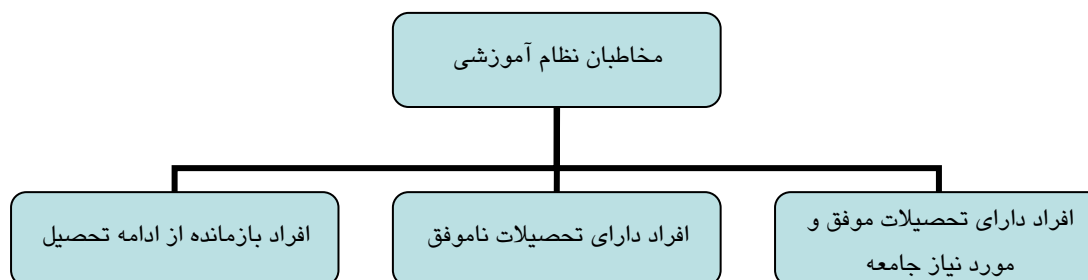
نظام آموزشی سه دسته مخاطب دارد:

الف) افرادی که به واسطه تخصصی شدن فعالیت‌ها، ضرورت دارد، آموزش‌های تخصصی را طی نمایند.

ب) افرادی که به واسطه تبدیل تحصیلات به ارزش در جامعه مدت‌ها برای پذیرفته شدن در کنکور تلاش می‌نمایند یا ادامه تحصیل در دانشگاه‌های نامعتبر و رشته‌های با زمینه شغلی محدود و صرف هزینه بالا، سکونت در شهرهای دیگر و دور شدن از فضای حمایتی - کنترلی خانواده و دشواری در یافتن شغل مناسب پس از پایان تحصیل را تجربه می‌نمایند.

ج) افرادی که به واسطه تبدیل تحصیلات به ارزش در جامعه و تلاش چندین ساله برای پذیرفته شدن در کنکور با عدم پذیرش در کنکور مواجه شده و از این رهگذر، نارضایتی از صرف هزینه زمان و نیافتن امکان ادامه تحصیل از یکسو و تحقیر و سرزنش پذیرفته نشدگان در دانشگاه را ازسوی دیگر تجربه می‌نمایند.

## نمودار ۳. مخاطبان نظام آموزشی



نکته اساسی در راه‌حل مربوط به نظام آموزشی، انتخاب گروه نخست به شیوه صحیح و هدایت شغلی - آموزشی سایرین متناسب با استعدادهای خود (مثلاً به حوزه‌های دینی، هنری، فنی و حرفه‌ای، ورزشی و...) است، زیرا شیوه فعلی انتخاب رشته تحصیلی با سعی و خطای فراوانی همراه است<sup>۱</sup> و این امر سبب اتلاف زمان آموزشی زیاد و ناکارآمدی نتیجه می‌شود.<sup>۲</sup> ضمن اینکه آموزش‌های لازم برای ایفای نقش‌های خانوادگی برای همه گروه‌ها ضرورت دارد.<sup>۳</sup>

تحصیلات به‌طور چشمگیر و خدمت‌سربازی به‌صورت محدود و برای پسران،<sup>۴</sup> از عوامل پیدایش و گسترش جوانی در ایران هستند. تحصیلات را می‌توان به دو دوره مدرسه (تحصیلات عمومی) و دانشگاه (تحصیلات عالی) تقسیم کرد.

**الف) تحصیلات عمومی:** محتوای آموزشی دوران مدرسه علیرغم ضرورت و تأثیرات مثبتی که دارد، نیازمند بازبینی است، زیرا کمتر به نیازها و نقش‌های یک فرد به‌عنوان یک پدر یا شوهر و مادر یا همسر توجه دارد و آموزش‌هایی را فارغ از توانایی‌های مورد نیاز خانوادگی و زندگی روزمره و غالباً مردانه آموزش می‌دهد. فارغ‌التحصیلان چنین نظامی ضمن اینکه مهارت‌های لازم

۱. نظام آموزشی به استعداد (هوش) ریاضی به‌عنوان مهم‌ترین و شاید تنها نوع استعداد تحصیلی بها می‌دهد و سایر انواع استعداد (هوش) هنری، ورزشی، اجتماعی و... نادیده می‌گیرد. نظام آموزشی - در سال دوم دبیرستان - دانش‌آموزان مستعد (درس‌خوان، معدل بالا، دارای سرمایه فرهنگی و والدین تحصیلکرده و منظم) را به رشته ریاضی و فیزیک می‌فرستد و در دانشگاه متوجه می‌شود: دانشجویانی که از رشته‌های فنی و مهندسی (یا دیپلم ریاضی و تجربی) به علوم انسانی می‌آیند، موفقیت بیشتری به دست می‌آورند و بلافاصله نتیجه می‌گیرد: سواد ریاضی باعث پیشرفت در علوم انسانی می‌شود و البته فراموش می‌کند پیش‌تر، درس‌خوان‌ها را از علوم انسانی رانده بوده و ایضاً تحول در علوم انسانی غربی نیازمند دانشجویان خلاق است نه درس‌خوان.

۲. این راه‌حل، زمانی را که کلیت نسل جوان جامعه، صرف آموزش خواهد کرد، کاهش می‌دهد.

۳. این راه‌حل، توانمندی‌های مورد نیاز جوانان را که به‌دلیل گسترش نظام آموزشی محقق نمی‌شوند، تقویت خواهد کرد.

۴. از میان رفتن برخی کارکردهای مورد نظر خدمت و وظیفه‌سربازی در دوران پهلوی و عدم تعریف دوباره کارکردهای آن در نظام اسلامی از یک‌سو و پیشنهاد تبدیل شکل فعلی سربازی به سرباز حرفه‌ای که از نظام‌های طبقاتی و نابرابری ساختاریافته مستتر در نظام سرمایه‌داری غربی تقلید شده است، ازسوی دیگر، همچنین کژکارکردهای شکل فعلی سربازی نیاز به مطالعه جداگانه‌ای دارد. اما در همین باره نیز برخی کارشناسان نظیر دکتر حسن عباسی معتقد به جایگزینی «دوره آموزشی و چهار سال عضویت در بسیج با فعالیت‌های پاره‌وقت» به جای «سربازی تمام‌وقت» کنونی است.



برای نقش‌های خانوادگی و زندگی روزمره را ندارند، عمدتاً برای پذیرش الگوهای رفتاری انسان مدرن (فردگرا، سودمحور، لذت‌طلب، جنسیت‌زدایی شده و...) و حذف روابط و فعالیت‌های اجتماعی سنتی تربیت شده‌اند. نظام آموزشی دانش‌آموزان را به خوابیدن زود هنگام، انجام تکالیف و مطالعه هرچه بیشتر کتاب‌های کمک آموزشی و تستی و همراهی نکردن والدین در میهمانی‌ها، مراسمات مذهبی، مراسمات غم و شادی نظیر مراسم ختم و ولیمه حجاج یا ... سوق می‌دهد و دائم از آنها می‌پرسد دوست دارند در آینده چه شغلی داشته باشند. نظام آموزشی، کسب درآمد و فعالیت اقتصادی را به‌عنوان معیارهای مفید بودن برای جامعه معرفی می‌کند، ولی به مادری و تربیت فرزندان نمره‌ای نمی‌دهد و یا حتی آنها را نوعی انفعال و بیهودگی ترسیم می‌کند. نظام آموزشی دختران را از گروه‌های دوستی محلی، جلسات مذهبی زنانه و... دور می‌کند و به این وسیله ضمن تضعیف روابط و نهادهای سنتی اجتماعی، فضای تعامل را در مشاغل و دوستی‌های فرامحله‌ای و سنی خلاصه و در نتیجه تقاضای اشتغال و حضور در جامعه - و نه فعالیت اجتماعی - را افزایش می‌دهد.

بنابراین ضمن اصلاح محتوای آموزش عمومی، ضروری است گزینه‌های مرتبط با کاهش زمان تحصیل مورد بررسی قرار گیرد. برخی از گزینه‌هایی که باید مورد بررسی قرار گیرند، عبارتند از:

- ورود کودکان به مدرسه از ۶ سالگی به‌ویژه برای دختران که زودتر به بلوغ می‌رسند.
- فشرده کردن مباحث درسی و کاهش دوران تحصیل عمومی.
- بازنگری در علل و کارکردهای تعطیلات تابستانی مدارس و استفاده از ایام تابستان برای امور آموزشی.

**ب) تحصیلات عالی:** اگر چه گسترش تحصیلات عالی دارای فواید قابل توجهی است، اما ناهماهنگی میان محتوای رشته‌های تحصیلی و محتوای مورد نیاز بازار کار، ناهماهنگی میان ظرفیت رشته‌ها و ظرفیت مورد نیاز بازار کار، پایین آمدن کیفیت به دلیل گسترش کمیت، ناهماهنگی رشته‌های تحصیلی با جنسیت دانشجویان، گسترش سرسام‌آور رشته‌های پر تقاضا در محیط‌های دانشگاهی پولی و تقلیل دانشگاه به کارخانه تولید مدرک (صنعت مدرک)، افزایش تحصیلکردگان زن، و... مشکلاتی را پدید آورده است. ناتوانی از به‌دست آوردن شغل مناسب، بلااستفاده ماندن مهارت‌ها و دانش کسب شده افراد و... که اسراف منابع مالی و زمانی افراد و جامعه را به دنبال دارد، ناکامی، سرخوردگی، تحقیر و نارضایتی اجتماعی افراد و خانواده‌هایشان، طولانی شدن دوران مجرد، گسترش انحرافات اخلاقی، ناپایداری خانواده‌های با تأخیر فراوان تشکیل شده و... نیز سایر عوارض وضع فعلی آموزش عالی کشور هستند. تعدیل این مسائل به تعدیل تمسخر و مقاومت در برابر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه (به‌عنوان یکی از ارکان جوانی برساخته) می‌انجامد.

برخی راهکارهای حوزه آموزش عبارتند از:

- گزینش مستمر دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیل در مدرسه و محدود کردن متقاضیان شرکت در دانشگاه‌ها،
- تلاش در جهت شناخت استعداد دانش‌آموزان و هدایت تحصیلی در جهت شکوفایی استعدادهای افراد،
- برقراری تناسب ظرفیت و محتوای رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه،
- گسترش رشته‌های تحصیلی مورد نیاز کشور و منطقه خاورمیانه مثلاً رشته‌های مورد نیاز صنایع نفت، خلبانی و ... ،
- برقراری تناسب محتوا و ظرفیت رشته‌ها با ویژگی‌های جنسیتی،
- علمی کردن دانشگاه و شکستن تصور ذهنی «قیف وارونه» (که می‌گوید ورود به دانشگاه دشوار است، ولی هر کس وارد دانشگاه شود، حتماً مدرک می‌گیرد) که به افزایش متقاضیان تحصیل منجر می‌شود.
- ایجاد زمینه آموزش مهارت‌های مادر و همسری یا پدری و شوهری و ایجاد رشته‌های خانه‌داری، آشپزی و... برای زنان در نظام آموزشی که گامی در راستای مفید شدن آموزش است.
- تغییر الگوی زن شاغل به‌عنوان زن ایدئال و تحقیر زن خانه‌دار از یک‌سو (که به افزایش متقاضیان تحصیل منجر می‌شود) و تقویت الگوی فعالیت‌های سنتی زنانه که با ارتقای جایگاه انسانی زن نیاز او به تحصیلات عالی برای ارتقای منزلت اجتماعی را می‌کاهد.

## ۲. راه‌حل مربوط به بی‌مسئولیتی ساختاریافته

این مسئله در جامعه ایرانی امری جدید و متعلق به دوره عمومی شدن آموزش در کشور - عمدتاً پس از وقوع انقلاب اسلامی - است. درواقع، نسلی که امروزه پدرها و مادرها را تشکیل می‌دهند عمدتاً چنین جوانی که با بی‌مسئولیتی و رهاسدگی کامل همراه باشد را تجربه نکرده‌اند. این مشکل در جوامع غربی نیز تا حدودی تعدیل شده است. خانواده‌ها در سنین ۱۸ تا ۲۰ سالگی، کودکی را پایان یافته تلقی نموده و جوانان را بسته به شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه وادار به پذیرش شرایط بزرگسالی می‌نمایند.<sup>۱</sup>

اما در ایران، وضعیت متفاوتی حاکم است. خانواده‌گرایی در جوامعی نظیر ایران سبب می‌شود تا مسائل جوانان به تمام جامعه سرایت کند. همچنین خانواده‌گرایی سبب گسترش حمایت‌های

۱. البته حمایت‌های دول اروپایی از جوانان نیز در این مورد تأثیر فراوانی دارد.



خانواده از جوان و تأمین مالی وی برای مدت‌های طولانی و ورود دیر هنگام فرزندان به عرصه کار و شغل می‌شود. در واقع خانواده‌گرایی و حمایت مادی طولانی مدت خانواده از فرد نتایج فراوانی دارد، که برخی از آنها عبارتند از:

#### الف) تأثیر بر فرزندان:

- ورود دیر هنگام فرزندان به عرصه کار و شغل،
- گسترش زمان بی‌مسئولیتی و بسط فرصت «جوانی کردن»،
- تبدیل شدن بی‌مسئولیتی به رویه معمول،
- تغییر فرهنگ کار از طریق گسترش توقعات شغلی (فرصت شغلی کسب شده باید رفاه بیشتری را نسبت به وابستگی مالی به پدر تأمین نماید تا فرد آن را بپذیرد)،
- وابستگی طولانی مدت اقتصادی فرد به خانواده،
- تأخیر در امر ازدواج و گسترش فاصله زمانی رسیدن به بلوغ و ارضای نیاز جنسی از طریق ازدواج،
- گسترش انحرافات در حوزه اخلاق جنسی و گسترش نظربازی (خودآرایی زنان و چشم‌چرانی مردان) در جامعه،
- سست شدن پایه‌های ازدواج به دلیل آثار طولانی شدن تجرد و ...

#### ب) تأثیر بر خانواده:

- کار کردن یک نفر (پدر) برای تأمین مالی چندین نفر (احتمالاً پدر بزرگ و مادر بزرگ، همسر، فرزندان تا ۲۵ سالگی و حتی بیشتر)،
- وارد آمدن فشار روحی و جسمی شدید ناشی از چند شیفت کار بر پدر،
- پایین آمدن سطح رفاه خانواده،
- کاهش حضور و در نتیجه کاهش کنترل و نظارت پدر در خانواده،
- افزایش تفاوت بینش فرهنگی - اجتماعی و حتی اقتصادی پدر با اعضای خانواده،
- نارضایتی پدر از زندگی اجتماعی (محیط‌های کار) و زندگی خانوادگی (که تبدیل به خوابگاه شده است)،
- افزایش نارضایتی افراد خانواده از زندگی خانوادگی،
- جستجوی روابط عاطفی فرزندان و حتی همسر در بیرون از خانه و گسترش مشکلات اخلاقی در جامعه،
- افزایش توقعات اعضای خانواده و ناتوانی پدر از پاسخگویی به آنها و در نتیجه احساس ناتوانی پدر از تأمین خانواده،

- سرخوردگی اعضای خانواده و احساس کمبودهای مادی و معنوی و... ،  
با عنایت به موارد فوق، تشویق جوانان به اشتغال، حتی به صورت نیمه وقت و با دستمزد پایین و یا در کنار تحصیل دارای اهمیت است. آموزش‌های کوتاه مدت فنی و حرفه‌ای، کارهای دانشجویی، کمک پژوهشگر، حسابدار نیمه وقت، شاگردی و کارآموزی در فروشگاه‌ها و بسیاری فرصت‌های شغلی دیگر که نمی‌تواند نیاز یک خانواده را برآورده کند، اما درآمدزاست، باید توسط جوانان پر شود. این امر، هم در توسعه فضای کسب و کار و برای تأمین نیروی انسانی ارزشمند بخش‌های تولیدی مفید فایده است و هم به حضور اجتماعی جوانان، احساس ارزشمندی و کارآمدی، پرهیز از گذراندن ساعات فراغت به بطالت، مهارت‌آموزی و کسب سابقه کاری، آشنایی با محیط کار، پیدا کردن ایده‌های پیونددهنده تحصیل و اشتغال، گسترش خلاقیت، کسب سرمایه محدود برای ایجاد شغل یا ازدواج و... میان جوانان کمک خواهد کرد.

همچنین ضروری است خانواده‌ها را از پرداخت بی‌رویه پول توجیبی (کمک مالی) به جوانان مجرد بر حذر داشت. به عبارت دیگر، پرداخت هزینه مخارج روزمره به جوان مشغول به فعالیت اقتصادی - حتی با درآمد ناچیز - و تشویق وی به پس‌انداز درآمد شخصی‌اش مهمترین سازوکار مبارزه با بی‌مسئولیتی ساختاریافته است.

### ۳. راه حل مربوط به نگرش به تشکیل خانواده

می‌توان دوره جوانی را براساس ویژگی‌های روانی و جسمی افراد به دوره‌های زیر تقسیم کرد:

- دوره ۱۳ تا ۱۸ سالگی (دوره بلوغ جنسی)،

- دوره ۱۸ تا ۲۱ سالگی (دوره پس از بلوغ جنسی)،

- دوره ۲۱ تا ۲۵ سالگی و احتمالاً بیشتر (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۵)،

تعیین زمان پایان دوره جوانی، از تعیین شروع آنکه با بلوغ جنسی همراه است، دشوارتر است، گو اینکه افراد در جوامع مختلف در سنین متفاوتی به بلوغ می‌رسند و امروزه رسانه‌های جمعی، ماهواره‌ها و اینترنت به علاوه شرایط تغذیه‌ای و آب و هوا سن بلوغ را کاهش داده‌اند. همچنین، برای افراد سنی ۱۸ تا ۲۵ سال و بیشتر، مفهوم «فرا بلوغ» یا «به عبارتی دیگر «بلوغ بدون پایه اقتصادی» متداول شده است. به نظر می‌رسد جوانان امروز، تعارض بین تکامل جنسی و افزایش انتظارات اجتماعی از یکسو و رسیدن به دوره‌های پایانی تحصیل ازسوی دیگر را، به صورت طولانی کردن دوره جوانی «پاسخ» داده‌اند.

دوره‌های زندگی در بسیاری کشورهای غربی به گونه‌ای است که عملاً جوانی با بزرگسالی آمیخته است. در واقع نوجوانان، گروه سنی هستند که مرحله بلوغ را طی کرده و هنجارهای جنسی



را فرا می‌گیرند و جوانی سن ورود فرد به عرصه کار و شغل است. پیوستن جوانان به عرصه کار و شغل حتی در میان دانشجویان و به صورت نیمه‌وقت، اگر چه با استقلال مالی همراه نیست، اما نوعی تجربه اجتماعی شدن شغلی و آشنایی با محیط و شرایط کار را به دنبال دارد. این روند مناسب‌ترین صورت برای جامعه‌ای نظیر انگلستان است، زیرا این جوامع با گنجاندن آموزش‌های جنسی در سطح مدارس و فراهم کردن زمینه‌های بی‌بند و باری جنسی برای جوانان و بزرگسالان، عملاً دوره نوجوانی را به دوره اجتماعی‌کردن جنسی و در واقع تحمیق و تخدیر نسل‌های جدید - به واسطه گسترش انحرافات اخلاقی ساختاری شده - تبدیل نموده‌اند. در چنین جامعه‌ای نوجوان غرق در شهوات می‌شود و بلافاصله با ورود به جوانی، چرخ‌های اقتصاد را به گردش درمی‌آورد. نیاز جنسی نیز در یک چارچوب قانونی و ساختاری پاسخ داده می‌شود<sup>۱</sup>. بنابراین در این جوامع، توافق تنها بر سر این موضوع وجود دارد که در پایان دوره جوانی فرد صاحب هویت اجتماعی و شخصی می‌شود. شاخص این هویت نیز، استقلال اقتصادی، پیدا کردن شغل و کسب درآمد است. بنابراین، شاخص‌های اصلی هویت به ترتیب دستیابی به استقلال اجتماعی، قدرت پرداخت هزینه زندگی و احتمالاً تشکیل خانواده است (شفرز، ۱۳۸۶: ۲۳ - ۲۴).

ضمن اینکه امروزه در غرب، از اهمیت تشکیل خانواده به عنوان شاخص تعیین‌کننده پایان دوره جوانی کاسته شده است. به عبارت دیگر، در نظر گرفتن فاصله افراد ۱۳ تا ۲۵ ساله به عنوان جوان در غرب، بیشتر به پیروی آنها از الگوهای ارزشی و رفتاری و خرده‌فرهنگ‌های جوانی مربوط است تا بحران ارضای نیاز جنسی، زیرا در غرب، فساد اخلاقی - پذیرفته شده به عنوان بخشی از فرهنگ - جانشین بحران ارضای جنسی شده است.

اما وضعیت در ایران چگونه است؟ گسترش آموزش عالی و خدمت وظیفه عمومی منجر به ایجاد فاصله طولانی میان سن رسیدن به بلوغ و ارضای غریزه جنسی و تأخیر در امر ازدواج می‌شود. تأخیر در امر ازدواج و در نتیجه عدم اطفای غرایز از یک سو و افزایش خودآگاهی جنسی ناشی از بالا رفتن سن و میزان تحصیلات در میان جوانان از سوی دیگر، هنگامی که با فضای جنسی رسانه‌های مجاز (سینما، موسیقی، اینترنت، صدا و سیما و ...) و غیرمجاز (ماهواره، فیلم‌های مستهجن، بازی‌های رایانه‌ای و ...) همراه می‌شود، افزایش شدید نیاز جنسی را به دنبال خواهد داشت.

افزایش تحریک جنسی در کنار دشواری و عدم امکان ارضای مشروع، جامعه جوان ایران را با بحرانی جدی روبرو کرده است. بنابراین در سطح کلان، جامعه ایران با نوعی انباشت تحریک جنسی بدون پاسخ مشروع و مانع جدی در برابر تخلیه نامشروع آن مواجه است.

۱. نگاه کنید به: ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، برگردان و تلخیص معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، زمستان

## نمودار ۴. وضعیت ارضای غرایز جنسی در جامعه ایران



برای کاهش مشکلات این بخش، ارضای جنسی به صورت مشروع و بدون گناه در سنین پایین

که عوارضی نظیر:

۱. تحریک جنسی،

۲. خودارضایی،

۳. خاطره خوش نامشروع را به دنبال نداشته باشد، ضرورت دارد. برخی اقدامات اساسی در

این مورد عبارتند از:

- فرهنگ‌سازی برای کمک خانواده به جوانان متأهل و تشویق مجردان به ازدواج به جای

تشویق بی‌مسئولیتی مجردان.

- فرهنگ‌سازی برای تبدیل نگرش «جوان پس از داشتن شغل و مسکن باید ازدواج کند» به

«جوان پس از ازدواج، به دنبال شغل رفته و مسکن را به دست می‌آورد».

- حمایت از دانشجویان متأهل از طریق:

• امکان استفاده از خدمات بیمه پدر توسط فرزند ذکور که متأهل و محصل است.

• گسترش خوابگاه‌های متأهلی و ...

- اتخاذ رویکرد مناسب و اجماع بر سر آن در مقابله با مفسد اخلاقی<sup>۱</sup> مثلاً اجماع درباره پنهان

نگه داشتن گناه (عدم برخورد با صورت‌های پنهانی گناه نظیر ماهواره، مشروبات الکلی و...).

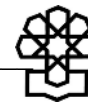
- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از نهادهای مردمی غیردولتی مانند

بسیج و ...<sup>۲</sup> از طریق اصلاح قانون به نفع امر به معروف.

۱. به گفته سردار احمدی مقدم تعارض‌هایی در انتظار از پلیس وجود دارد که باید به آن پاسخ داده شود. برخورد با مسئله مواد مخدر، مشروبات الکلی، ماهواره، ساماندهی مرزها، تهاجم فرهنگی، جمع‌آوری سی‌دی‌های مبتذل و برخورد با ترویج روابط بی‌بندوباری جنسی همه و همه از پلیس انتظار می‌رود و از طرف دیگر وقتی پلیس در بسیاری از این حوزه‌ها وارد می‌شود از همه طرف مورد حمله قرار می‌گیرد. فرمانده نیروی انتظامی در تشریح ابعاد برخوردهای چندگانه با رویکردهای ناجا گفت: برخی می‌گویند «چرا اینقدر برخورد؟ چرا اینقدر زندانی؟ چرا اینقدر اعدام؟»، اعدام هم نکنیم، می‌گویند، چرا برخورد نمی‌کنید!

۲. سردار احمدی مقدم به نقش بسیج در حوزه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد و گفت: مراکز امر به معروف و نهی از منکر تعطیل شده و باید با راه‌اندازی مجدد و تقویت این مراکز مانع وقوع بسیاری از جرائم شد.





## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این گزارش گفته شد که جوانی به دو شیوه زیستی و فرهنگی تعریف می‌شود و جوانی در معنای دوم در دوران گذشته وجود نداشته است. ضمناً جوانی به مثابه نوعی فرهنگ، مفهومی برساخته در بستر نظام سرمایه‌داری و مورد حمایت نظام آموزشی مدرن است و بی‌توجهی به مفهوم «جوانی» در معنای دوم و در نتیجه اجتناب‌ناپذیر دانستن آن، پیامدهای بسیاری در پی خواهد داشت که برخی از آنها عبارتند از:

۱. گسترش بی‌مورد نظام آموزشی و توجیه تبعات آن.
  ۲. تبدیل کردن «فراغت جوانان» به عنوان مسئله‌ای درجه چندم به معضل اصلی و فوری جوانان.
  ۳. متهم کردن جوانان به فساد و انحراف.
  ۴. متهم کردن نظام به ناکارآمدی در حوزه مدیریت جوانان.
- همچنین گفته شد که آثار سه‌گانه شکل‌گیری جوانی (تأخیر در اشتغال و بی‌مسئولیتی ناشی از آن، تأخیر در ازدواج و انحرافات ناشی از آن و مقاومت در برابر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه) به شکل‌گیری فرهنگ جوانی منجر می‌شود. بنابراین با عنایت به مباحث پیشین، راهکارهای رفع معضلات جوانی به شرح ذیل دسته‌بندی خواهد شد:
۱. گرامیداشت پیری و فرزاندگی در برابر فرهنگ جوانی،
  ۲. گرامیداشت خانواده در برابر نظام آموزشی،
  ۳. محدودسازی فرهنگ جوانی.
- راهکارهای محدودسازی جوانی نیز عبارتند از:
۱. تغییر نگرش موجود به تحصیلات عالی و کاهش زمانی که افراد جامعه تک تک و در مجموع، صرف آموزش‌های تخصصی می‌کنند.
  ۲. تغییر نگرش موجود به اشتغال و تقبیح فرهنگ بی‌مسئولیتی.
  ۳. تغییر نگرش موجود به تشکیل خانواده.
- سایر راهکارهای پیشنهادی عبارتند از:
۱. بررسی امکان اصلاح محتوای آموزش عمومی متناسب با نیازهای خانوادگی و اجتماعی افراد.
  ۲. بررسی امکان ورود کودکان به مدرسه از ۶ سالگی به‌ویژه برای دختران که زودتر به بلوغ می‌رسند.
  ۳. بررسی امکان فشرده کردن مباحث درسی و کاهش دوران تحصیل عمومی.
  ۴. بازنگری در علل و کارکردهای تعطیلات تابستانی مدارس و استفاده از ایام تابستان برای امور آموزشی.

۵. گزینش مستمر دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیل در مدرسه و محدود کردن متقاضیان شرکت در دانشگاه‌ها.
۶. تلاش در جهت شناخت استعداد دانش‌آموزان و هدایت تحصیلی در جهت شکوفایی استعدادهای افراد.
۷. برقراری تناسب ظرفیت و محتوای رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه.
۸. گسترش رشته‌های تحصیلی مورد نیاز کشور و منطقه خاورمیانه مثلاً رشته‌های مورد نیاز صنایع نفت، خلبانی و ...
۹. برقراری تناسب محتوا و ظرفیت رشته‌ها با ویژگی‌های جنسیتی.
۱۰. علمی کردن دانشگاه و شکستن تصور ذهنی «قیف وارونه» (که می‌گوید ورود به دانشگاه دشوار است، ولی هر کس وارد دانشگاه شود، حتماً مدرک می‌گیرد) که به افزایش متقاضیان تحصیل منجر می‌شود.
۱۱. ایجاد زمینه آموزش مهارت‌های مادر و همسری یا پدری و شوهری و ایجاد رشته‌های خانه‌داری، آشپزی و ... برای زنان در نظام آموزشی که گامی در راستای مفید شدن آموزش است.
۱۲. تغییر الگوی زن شاغل به‌عنوان زن ایدئال و تحقیر زن خانه‌دار از یک‌سو (که به افزایش متقاضیان تحصیل منجر می‌شود) و تقویت الگوی فعالیت‌های سنتی زنانه که با ارتقای جایگاه انسانی زن نیاز او به تحصیلات عالی برای ارتقای منزلت اجتماعی را می‌کاهد.
۱۳. تشویق جوانان به اشتغال، حتی به‌صورت نیمه‌وقت و با دستمزد پایین و یا در کنار تحصیل.
۱۴. فرهنگ‌سازی در جهت گسترش آموزش‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای، کارهای دانشجویی، کمک پژوهشگر، حسابدار نیمه‌وقت، شاگردی و کارآموزی در فروشگاه‌ها و بسیاری فرصت‌های شغلی دیگر که نمی‌تواند نیاز یک خانواده را برآورده کند اما درآمدزا می‌باشد.
۱۵. فرهنگ‌سازی در جهت پرهیز خانواده‌ها از پرداخت بی‌رویه پول توجیبی (کمک مالی) به جوانان مجرد و تشویق جوانان به پس‌انداز، کمک‌های مالی خانواده و درآمدهای کوچک شخصی.
۱۶. فرهنگ‌سازی برای کمک خانواده به جوانان متأهل و تشویق مجردان به ازدواج به جای تشویق بی‌مسئولیتی مجردان.
۱۷. فرهنگ‌سازی برای تبدیل نگرش «جوان پس از داشتن شغل و مسکن باید ازدواج کند» به «جوان پس از ازدواج، به‌دنبال شغل رفته و مسکن را به‌دست می‌آورد».
۱۸. حمایت از دانشجویان متأهل از طریق:
  - امکان استفاده از خدمات بیمه پدر توسط فرزند ذکور که متأهل و محصل است.



- گسترش خوابگاه‌های متأهلی و ...

۱۹. اتخاذ رویکرد مناسب و اجماع بر سر آن در مقابله با مفسد اخلاقی مثلاً اجماع درباره پنهان نگه داشتن گناه (عدم برخورد با صورت‌های پنهانی گناه نظیر ماهواره، مشروبات الکلی و...).
۲۰. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از نهادهای مردمی غیردولتی مانند بسیج و ... از طریق اصلاح قانون به نفع امر به معروف.

### منابع و مأخذ

۱. بارکر، کریس. مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، زمستان ۱۳۸۷.
۲. شفرز، برنهارد. مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
۳. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
۴. مددپور، محمد. صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی در مجموعه مقالات «نگاهی به پدیده گسست نسلی»، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۵. رفیع‌پور، فرامرز. توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
۶. شهابی، محمود. صنعت - فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۹.





مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲۲۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی جوانان ۳. مفهوم «جوانی»

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: اسماعیل نوده‌فراهانی

همکار: عباس مقامی

ناظر علمی: سینا کلهر

منتقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. سیاستگذاری فرهنگی

۲. جوانان

۳. مسائل جوانان

۴. آموزش عالی

۵. کنکور

۶. ازدواج

۷. اشتغال

۸. خدمت وظیفه عمومی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶